

Elucidation of Step-by-Step Methods for Discovering Psychological Verses of the Holy Qur'an

Alireza Shirzad

Assistant Professor, Department of Islamic sciences, Mazandaran University of Medical Sciences, Mazandaran, Iran.
Email: a.shirzad@mazums.ac.ir

Hadi Bahrami Ehsan

Professor, Faculty of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author), Email: hbahrami@ut.ac.ir

Recived : 2022-10-22

Revised : 2022-12-26

Accepted : 2023-02-06

Published: 2023-04-04

Citation:

Shirzad, A.R. & Bahrami Ehsan, H. (2023). Elucidation of Step-by-Step Methods for Discovering Psychological Verses of the Holy Qur'an. *Quran and Psychology*, 2(1), p. 27-50.

Abstract

Given the unprecedented reception of Islamic psychology in the global academic community, the necessity of methodological studies has become increasingly significant. Accordingly, the present study was conducted with the aim of examining and elucidating the methods for discovering psychological verses of the Holy Qur'an and outlining the stages of their application, which constitute a necessary prelude to the psychological understanding or interpretation of the Qur'an. The research method was descriptive-analytical, whereby the existing methods in exegetical sources and Islamic psychology were collected, analyzed, and their functions in understanding the psychological dimensions of the verses, along with relevant examples from psychological discussions, were presented. The findings indicate that through four stages, suitable psychological verses can be extracted from the Qur'an and ultimately organized into appropriate categories. The first stage is the selection of a psychological topic or problem, which is carried out through targeted study of psychological sources and breaking down the subject into smaller components. The second stage is the selection of suitable vocabulary for searching the Qur'an, which corresponds to choosing appropriate keywords in psychological research. The third stage is the search for psychological verses in the Qur'an, conducted through the use of keywords, lexicons, related books and articles, as well as thematic relevance. The fourth stage is the coding of verses, which is performed using open, selective, and axial codes. Upon completion of these stages, the verses directly related to the selected topic are provided to the researcher along with an appropriate classification, after which the application of psychological interpretive methods follows. Effective use of these methods requires proceeding through the stages in sequence and paying close attention to the details of their application. A major drawback observed in existing Islamic psychology research is the lack of methodological rigor in deriving psychological interpretations from Qur'anic verses, which has at times led to tafsir be ra'y (interpretation based on personal opinion) or superficial approaches to psychological concepts. Consequently, although the step-by-step method presented in this study serves as a preliminary requirement before engaging in the main methods of psychological interpretation, its application at the outset of research can guide the researcher toward more relevant data and render the research process easier and more precise.

Keywords: Psychological Verses, Step-By-Step Method, Islamic Psychology.



©2023 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

قرآن و روان‌شناسی

تبیین روش‌های مرحله‌ای کشف آیات روان‌شناختی قرآن کریم

علیرضا شیرزاد

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران. a.shirzad@mazums.ac.ir

هادی بهرامی احسان

استاد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، hbahrami@ut.ac.ir

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۰۷/۳۰	استناد: شیرزاد، علیرضا؛ بهرامی احسان، هادی (۱۴۰۲). تبیین روش‌های مرحله‌ای کشف آیات روان‌شناختی قرآن کریم. قرآن و روانشناسی، ۱(۱۲)، ص ۲۷-۵۰.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵	

چکیده

با توجه به استقبال کم نظیر جامعه دانشگاهی دنیا به روانشناسی اسلامی، وجود پژوهش‌های روش‌شناسانه ضرورت بیشتری پیدا کرده است. به همین جهت پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین روش‌های کشف آیات روان‌شناختی قرآن کریم و بیان مراحل بکارگیری آن انجام شده است که به عنوان مقدمه‌ای ضروری برای فهم یا تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم محسوب می‌شود. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده که براساس آن، روش‌های موجود در منابع تفسیری و روانشناسی اسلامی جمع‌آوری شده و پس از تحلیل، کارکرد آنها در فهم روان‌شناختی آیات به همراه نمونه‌های مرتبط با مباحث روانشناسی بیان شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با استفاده از چهار مرحله می‌توان آیات روان‌شناختی متناسب را از قرآن کریم استخراج نموده و در نهایت دسته‌بندی مناسبی از آیات مرتبط ارائه نمود. مرحله اول، انتخاب موضوع یا مسأله روان‌شناختی است که با مطالعه هدفمند در منابع روانشناسی و جزئی کردن موضوع انجام می‌شود. مرحله دوم، انتخاب واژگان مناسب جهت جستجو در قرآن کریم می‌باشد که به انتخاب کلیدواژه مناسب در پژوهش روان‌شناختی اشاره دارد. مرحله سوم، جستجوی آیات روان‌شناختی در قرآن کریم است که از طریق کلیدواژه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، کتب و مقالات مرتبط و نیز تناسب محتوایی انجام می‌شود. مرحله چهارم کدگذاری آیات است که از طریق کدهای باز، انتخابی و محوری انجام می‌شود. پس از طی نمودن این مراحل، آیه‌ای که دقیقاً مرتبط با موضوع انتخابی است، به همراه یک دسته‌بندی مناسب در اختیار پژوهشگر قرار گرفته، و پس از آن، نوبت بکارگیری روش‌های فهم روان‌شناختی است. استفاده مطلوب از این روش‌ها نیازمند به ترتیب طی نمودن مرحله‌ها و توجه به جزئیات بکارگیری این روش‌ها است. آنچه که به عنوان آسیب در یافته‌های روانشناسی اسلامی موجود مشاهده می‌شود، عدم روشمند بودن برداشت‌های روان‌شناختی از آیات قرآن کریم است که گاه به تفسیر به رأی و یا سطحی‌نگری از مفاهیم روان‌شناختی انجامیده است. در نتیجه روش مرحله‌ای بیان شده در این پژوهش، اگرچه به عنوان پیش‌نیاز آغاز روش‌های اصلی فهم روان‌شناختی می‌باشد، اما بکارگیری آن در ابتدای پژوهش می‌تواند پژوهشگر را به داده‌های مرتبط‌تر سوق داده و مسیر پژوهش را سهل‌تر و دقیق‌تر نماید.

کلیدواژه‌ها: آیات روان‌شناختی، روش مرحله‌ای، روانشناسی اسلامی، روانشناسی اسلامی.

مقدمه

در سال‌های اخیر، گسترش روانشناسی اسلامی در محیط‌های دانشگاهی دنیا و همچنین، استفاده از مفاهیم روان‌شناختی قرآن کریم در میان مسلمانان به‌منظور بهبود سلامت روان و همچنین، درمان آسیب‌های روانی، یکی از جدیدترین کاربردهای کتاب الهی در جوامع اسلامی محسوب می‌شود (حق و روثن، ۲۰۲۱).^۱ از سوی دیگر، میان روانشناسی معاصر و روانشناسی مبتنی بر قرآن و یا به‌صورت کلی‌تر، روانشناسی اسلامی، علاوه بر وجود نقاط مشترک فراوان، تفاوت‌های مبنایی و موضوعی نیز به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، از منظر مبنای انسان‌شناسی، در نظام روانشناسی غالب و رایج کنونی، انسان فراتر از قالب مادی، فیزیولوژیک، نورن‌ها و اعصاب خود، معنایی نداشته و مدل محرک و پاسخ^۲ نیز در این روانشناسی مبتنی بر قلمرو موجود مادی و تحلیل ویژگی‌های آن است؛ در حالی که از منظر روانشناسی اسلامی، علاوه بر اثبات وجودی فرامادی برای انسان، مفاهیمی همچون نیایش، الهام، حضور معنوی و اتصال معنوی نیز به‌عنوان مدل‌هایی از محرک و پاسخ، مورد پذیرش قرار گرفته است (فاطمی، ۱۳۹۵). به همین منظور و با توجه به این اقبال عمومی و موضوعات فراوان روان‌شناختی در متون اسلامی، بررسی روش‌های فهم روان‌شناختی قرآن کریم البته به‌صورت علمی و عمیق، از ضروریات جنبش احیای روانشناسی اسلامی است.

اما مرحله آغازین و مهم در تفسیر یا فهم روان‌شناختی قرآن کریم، جست‌وجو و کشف آیاتی است که متناسب با موضوع روان‌شناختی مفسر باشد و روشن است تا زمانی که مفسر نتواند آیات روان‌شناختی مورد نیاز خود را از قرآن استخراج نماید؛ نمی‌تواند تفسیری از قرآن کریم پیرامون موضوع خود ارائه نماید. همچنین، حتی اگر به برخی از آیات مرتبط دست یافته و از برخی دیگر غافل بماند؛ طبیعتاً از بسیاری از آموزه‌های روان‌شناختی قرآن محروم شده و در پایان نیز نمی‌تواند یک نظریه جامع از قرآن کریم نسبت به موضوع پژوهشی خود ارائه دهد. در نتیجه، دقت در این مرحله و اتخاذ روش‌های قوی در کشف آیات روان‌شناختی قرآن، از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر، بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان روانشناسی معاصر در پی کشف نظرات قرآن کریم پیرامون یافته‌های علمی روانشناسی و حتی با هدفی متعالی‌تر، در پی کشف یافته‌های جدیدی از قرآن کریم به‌منظور برطرف نمودن کاستی‌های روانشناسی موجود هستند (کاویانی، ۱۳۹۳). در نتیجه، گام مقدماتی، اما مهم در پی کشف نظرات قرآن در مباحث روان‌شناختی، پیدا نمودن آیاتی است که بتواند ارتباط عمیقی با موضوع مورد نظر پژوهشگر داشته باشد. به همین جهت است که اگر در مرحله کشف مواد خام پژوهشی - که در این مبحث، آیات روان‌شناختی قرآن

1. Haque & Rothman

2. Stimulus-response

می‌باشد- استقرای ناقصی صورت گرفته و نتوان همه مفاهیم و عبارات مرتبط را جمع‌آوری کرد؛ به تبع، نمی‌توان تحلیل کاملی از موضوع مورد پژوهش ارائه نمود و همچنین، نمی‌توان نتایج اطمینان‌بخشی را در اختیار جامعه علمی گذاشت. ناگفته پیداست که این مرحله در مواردی کاربرد دارد که مفسر، آیات مورد نیاز خود را برای تفسیر روان‌شناختی نیافته و در جست‌وجوی آیات مرتبط با موضوع روان‌شناختی خود باشد؛ اما در صورت وجود آیه یا آیات روان‌شناختی نزد مفسر، الزامی به طی نمودن این مرحله نبوده و مستقیماً می‌توان به بخش روش‌های فهم آیات روان‌شناختی مراجعه کرد. اگرچه طی نمودن مراحل کشف آیات می‌تواند جست‌وجوی دقیق‌تر و جامع‌تری را برای مفسر فراهم نموده و در نتیجه، آیات مرتبط بیشتری را درباره موضوع در دسترس او قرار دهد. همچنین، آنچه که در پیشینه‌یابی این نوع پژوهش‌ها قابل توجه بوده و ضرورت پژوهش حاضر را مضاعف می‌کند، کتب و مقالات بسیار اندکی است که در این زمینه منتشر شده است. بهرامی احسان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «معناشناسی افسردگی از منظر قرآن؛ پیشنهاد الگویی برای پژوهش‌های قرآنی در حوزه روانشناسی»، به ارائه روشی نو در بررسی مفاهیم روان‌شناختی همچون اختلالات روانی در قرآن کریم پرداخته‌اند. البته محوریت محتوایی این اثر پیرامون گزاره‌هایی از قرآن بوده که در آن به اختلال افسردگی در سه بخش مقدمه‌ای (پیشیند)، لازمه‌ای (همایند) و نتیجه‌ای (پیامد)، اشاره شده باشد. پسندیده (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربری آن در مفهوم حیات»، غالباً به روش فهم روایات اخلاقی و نه آیات قرآن پرداخته است. در مجموع، پژوهشی که به صورت گام‌به‌گام، روش‌های گوناگونی به منظور کشف و دسته‌بندی آیات مرتبط با موضوع روان‌شناختی بیان نماید، تاکنون انجام نشده است؛ که این پژوهش، عهده‌دار آن می‌باشد. شایان ذکر است، روش‌هایی که در ادامه ذکر خواهد شد، به صورت مرحله‌ای بوده و رعایت ترتیب در اعمال روش‌ها به منظور کشف آیات، ضروری می‌باشد.

روش

در این پژوهش، با استفاده از روش «توصیفی-تحلیلی»، انواع روش‌های موجود در جمع‌آوری داده‌های قرآنی با رویکرد روان‌شناختی، مورد بررسی قرار گرفته و پس از تحلیل هریک از روش‌ها، کارکرد آنها در فهم روان‌شناختی از قرآن بیان شده است. در همین راستا، کتب روش تفسیری در علوم قرآن کریم، برخی مقالات مرتبط با روش‌شناسی فهم متون دینی و همچنین اندک آثار موجود در زمینه روش فهم روان‌شناختی آیات قرآن مورد تحلیل محتوایی قرار گرفته‌اند. در نتیجه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، روش‌های مختلفی که می‌توان در کشف و دسته‌بندی آیات از آنها استفاده کرد، با هدف فهم آیات روان‌شناختی قرآن

کریم، متناسب‌سازی شده و در نهایت، چهار مرحله برای کشف آیات بیان شده است.

یافته‌ها

هدف پژوهش حاضر بررسی روش‌های جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌های روان‌شناختی از قرآن کریم است. در ادامه، به کمک چهار گام این فرایند بررسی می‌شود.

انتخاب موضوع یا مسئله روان‌شناختی

گام اول در انجام تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم، انتخاب موضوع یا مسئله روان‌شناختی است که مفسر یا پژوهشگر می‌خواهد آن را در قرآن کریم بررسی کند و از دیدگاه خداوند متعال پیرامون آن آگاه شود. در برخی موارد، ممکن است پژوهشگر با انتخاب یک موضوع همچون «رشد معنوی» و یا «انواع اختلالات روانی» وارد قرآن شده و یا ممکن است با یک پرسش یا مسئله، به قرآن رجوع کند، مانند: «آیا در قرآن کریم به نشانگان افسردگی اشاره شده است؟» و یا «ویژگی‌های یک همسر خوب از منظر قرآن کریم چه می‌باشد؟». همچنین، چه پژوهشگر با هدف عرضه یافته‌های علم روانشناسی وارد قرآن شود و چه با هدف کشف آموزه‌های جدید روان‌شناختی از کلام الهی، در هر صورت، گزینش موضوع یا مسئله روان‌شناختی متناسب که بتواند در آن راحت‌تر و دقیق‌تر به هدف خود برسد، از اهمیت بالایی برخوردار است. اما برای اینکه بتوان موضوع یا مسئله مناسبی برای پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن پیدا نمود، پژوهشگر باید دقیقاً بداند که به دنبال چه چیزی بوده و دقیقاً می‌خواهد نظر قرآن را پیرامون کدام مسئله بداند. به همین منظور و برای انتخاب دقیق موضوع، لازم است پژوهشگر پس از مشخص کردن موضوع یا مسئله در ذهن خود، دو مرحله زیر را نیز طی نماید:

مطالعه هدفمند در منابع علم روانشناسی

برای آنکه بتوان موضوع یا مسئله‌ای مناسب جهت پژوهش در قرآن کریم را تعیین نمود، اولین گام، مطالعه در متون علم روانشناسی متناسب با موضوع انتخابی است؛ زیرا نمی‌توان بدون آگاهی از یافته‌های بشری پیرامون مسائل روان‌شناختی، تفسیری پویا و غنی از آیات روان‌شناختی داشت. اصولاً مبدأ و آغاز چنین تفاسیر علمی که پیشینه‌ای بشری دارند، یافته‌های تجربی همان علم است؛ زیرا چنین تفاسیری جدای از عالم واقع نبوده و باید از مبدأ علوم بشری وارد قرآن شده و در نتیجه، چنین تفاسیری آنقدر با تجربیات بشری (یافته‌های علمی) عجین خواهد شد که نتایج تفسیری ما نیز مرتبط با این یافته‌های بشری خواهد بود (صدر، بی تا) که البته پاسخی برای این نیازهای روزآمد است. اما مطالعه کتب و مقالات علم روانشناسی پیرامون موضوع می‌تواند حداقل سه فایده را در تفسیر روان‌شناختی در پی داشته باشد: اول، با رجوع به منابع

روانشناسی می‌توان تعریف دقیقی از مسئله یا موضوع خود به‌دست آورد. این تعریف دقیق، در جایی سودمندی خود را نشان خواهد داد که پس از جمع‌آوری آیات مرتبط با موضوع، مفسر باید در مورد آیات جمع‌آوری شده به قضاوت بنشیند که آیا این آیه مرتبط، دقیقاً در صدد بیان همان مفهومی است که به دنبال آن می‌باشد یا خیر؟ مثلاً آیا آن «شادی» که موضوع پژوهش مفسر در قرآن است، با آن شادی که در برخی آیات قرآن آمده از نظر مفهومی یکسان است؟ در غیر این صورت، چه تفاوت‌هایی دارد؟ در نتیجه، در صورت عدم آگاهی کافی از موضوع مورد پژوهش، مطالعه دقیق و عمیق پیش از آغاز پژوهش برای مفسر یک ضرورت خواهد بود. دوم، در موارد متعددی نمی‌توان برای موضوع پژوهش معادلی در قرآن کریم یافت. به عنوان نمونه، می‌توان معادل‌های تقریبی برای رشد و یا انگیزش در واژگان قرآنی پیدا نمود؛ اما تاکنون معادلی مطابق با اصطلاح افسردگی در قرآن کریم یافت نشده است. در نتیجه، هنگامی که بتوان مؤلفه‌های این اصطلاح را در منابع روانشناسی تعیین نمود، ممکن است بتوان برای مؤلفه‌های آن، واژگانی معادل آنها در قرآن کریم پیدا نموده و براساس آن، به جست‌وجوی آیات مرتبط با اصطلاح افسردگی اقدام نمود. سوم، مطالعه هدفمند در منابع می‌تواند با روشن‌تر نمودن ابعاد و زوایای موضوع، جزئی نمودن آن را در مرحله بعد، تسهیل نماید.

جزئی نمودن موضوع

پس از آنکه مطالعه هدفمند در منابع روانشناسی انجام شد، می‌توان به راحتی ابعاد موضوع را مشخص‌تر و موضوع کلی را جزئی و یا موضوع جزئی را جزئی‌تر نمود. امروزه تحدید دقیق‌تر موضوع پژوهشی و اجتناب از فرانگری، از امتیازات هر پژوهش به‌شمار می‌آید (نصیری، ۱۳۹۵). به عنوان نمونه، موضوع «انگیزش» یا «رشد» در قرآن یک موضوع عام و کلی است و اگرچه می‌توان در صورت کلان بودن پژوهش، همین موضوع را انتخاب نموده و وارد قرآن کریم شد؛ ولی پژوهش زمان‌بر و حجیمی خواهد شد. اما اگر محقق، دقیقاً مشخص نماید که به دنبال کدام جزء از این موضوع کلی است، مثلاً روش‌های تقویت انگیزه یا مراحل رشد روانی کودکان و یا حتی جزئی‌تر از این ریزموضوعات، مسیری راحت‌تر و برون‌دادی دقیق‌تر برای پژوهش خود خواهد داشت. در نتیجه، دو مرحله مطالعه هدفمند در منابع روانشناسی و جزئی نمودن موضوع برای کلان‌موضوعات نیز توصیه می‌شود.

انتخاب واژگان مناسب جهت جست‌وجو در قرآن

پس از مشخص شدن موضوع و جزئی نمودن آن به منظور جست‌وجو در قرآن، نوبت به معادل‌سازی موضوع با واژه‌های قرآنی می‌رسد. البته با توجه به جست‌وجوی کلیدواژه‌ای در قرآن به منظور یافتن آیات مرتبط، لازم است که مسائل و پرسش‌های روان‌شناختی را نیز تبدیل به کلیدواژه‌هایی نموده؛ تا از طریق آن،

بتوان فرآیند جست‌وجو و کشف آیات روان‌شناختی را انجام داد. به همین منظور، اگرچه وجود پرسش و مسئله در ذهن پژوهشگر در تمامی مراحل تفسیر روان‌شناختی می‌تواند روشنگر ابعاد تازه‌ای از آیات قرآن باشد؛ اما در آغاز پژوهش، کشف آیات متناسب با موضوع یا مسئله، مورد نیاز خواهد بود و از سهل‌ترین و دقیق‌ترین راه‌های کشف آیات قرآن، همین جست‌وجوی کلیدواژه‌ای می‌باشد. در نتیجه، در صورتی که پژوهشگر با موضوع روان‌شناختی وارد قرآن شود، روشن است که همان موضوع می‌تواند به‌عنوان کلیدواژه جست‌وجو قرار گیرد و در مواردی که با مسئله یا پرسش وارد شود، موضوع اصلی یا فرعی که پیرامون آن پرسش می‌شود را می‌توان به‌عنوان کلیدواژه در نظر گرفت. اما بیان این نکته حائز اهمیت است که نمی‌توان برای تمامی موضوعات روان‌شناختی، معادلی واژگانی در قرآن کریم پیدا نمود. به همین جهت، این مرحله تنها برای بخشی از موضوعات روان‌شناختی کاربرد دارد. در نتیجه، بررسی موضوعات روان‌شناختی از حیث داشتن یا عدم داشتن معادل‌های قرآنی پیش از ورود به مرحله جست‌وجوی آیات ضروری می‌باشد.

انواع موضوعات روان‌شناختی از نظر معادل‌های قرآنی

در این مرحله، موضوعات روان‌شناختی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) دارای معادل قرآنی: این موضوعات نیز به دو دسته مفرد و مرکب تقسیم می‌شوند:

- ۱- برخی از موضوعات همچون انگیزش یا ازدواج، «مفرد» بوده و دارای معادل‌های قرآنی هستند که در این صورت، با یافتن معادل‌های قرآنی آن، می‌توان جست‌وجو را آغاز نمود، مانند مشتقات واژه «تحریض» برای انگیزش (نساء، ۸۴؛ انفال، ۷۶)، یا مشتقات واژه «نکاح» برای ازدواج (نور، ۳۲؛ نساء، ۳).
- ۲- برخی از موضوعات به‌صورت «مرکب» و معمولاً جزئی است و در این موضوعات نیز «امکان» یافتن معادل وجود دارد، مانند روش‌های تقویت انگیزه یا شیوه‌های حل تعارض میان زوجین که در این موارد، علاوه بر معادل‌سازی «بخشی» از این موضوعات (در صورت وجود معادل در قرآن)، جست‌وجوهای «غیرواژگانی» در قرآن نیز مورد نیاز بوده که در مرحله بعدی (جست‌وجوی آیات روان‌شناختی) به آن اشاره خواهد شد.

ب) بدون معادل قرآنی: برخی از موضوعات نیز معادلی در میان واژگان قرآن ندارند که این نوع موضوعات نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- می‌توان اصطلاحاتی نزدیک به آن موضوعات را در قرآن پیدا نمود؛ همچون تشویق و تنبیه که به دو اصطلاح نزدیک «تبشیر و تنذیر» (بقره، ۱۱۹؛ سباء، ۲۸) در قرآن کریم شباهت دارند. اگرچه این دو واژه قرآنی، مفهوم مطابقی موضوع مورد نظر نیستند؛ اما شباهت‌های معنایی بسیاری میان آنها یافت می‌شود.

۲- برخی از موضوعات همچون حالت اضطرابی و اختلال افسردگی اساسی^۱ نه دارای معادلی در میان واژگان قرآن هستند و نه واژگان اصطلاحی نزدیک به آنها در قرآن وجود دارد. در این موارد، ابتدا لازم است «مؤلفه‌های تعریف» و «نشانگان» آنها را در منابع روانشناسی مشخص نموده و در صورت وجود معادل‌های قرآنی برای همه یا بخشی از مؤلفه‌ها یا نشانگان آنها، معادل‌های آنها را تعیین نموده و علاوه بر جست‌وجوی واژگانی، از طریق تعریف و نشانگان آنها، به جست‌وجوی محتوایی در آیات قرآن کریم نیز پرداخته شود که در مرحله بعدی به آن اشاره خواهد شد. به عنوان نمونه، برای اختلال افسردگی اساسی، مؤلفه‌ها و نشانگان متعددی در کتب «راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی»^۲ و «آسیب‌شناسی روانی»^۳ مشاهده می‌شود که دو نشانه مهم آن، «خلق غمگین» و «فقدان لذت» می‌باشد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۲۲). برای این دو نشانه می‌توان به ترتیب از مشتقات دو معادل قرآنی «حزن» (یونس، ۶۵؛ یوسف، ۸۶) و «لذه» (صافات، ۴۶؛ زخرف، ۷۱) نام برد و البته در کنار جست‌وجوی واژگانی با در نظر گرفتن دیگر نشانگان، به جست‌وجوی محتوایی پرداخت.

نحوه یافتن معادل‌های قرآنی

نکته دیگر، چگونگی پیدا نمودن معادل‌های قرآنی برای موضوعات روان‌شناختی است. کتب و برنامه‌های رایانه‌ای متعددی پیرامون معادل‌یابی برای واژگان فارسی به عربی وجود دارد؛ که می‌توان برای یافتن معادل‌های قرآنی موضوعات روان‌شناختی استفاده نمود. البته احاطه مفسر به واژگان قرآنی نیز نقش مهمی در یافتن چنین واژگانی ایفاء می‌کند؛ اما در هر صورت، لازم است استفاده از معادل‌یاب‌ها با رعایت نکات زیر انجام شود:

باید توجه داشت که تمامی معادل‌های عربی بیان‌شده برای یک واژه فارسی، در قرآن استعمال نشده و یا اگر هم شده باشد، ممکن است مرتبط با موضوع تحقیق نباشد. به عنوان نمونه، برای واژه انگیزش، معادل‌های متعددی همچون «تحفیز»، «بعث»، «اثاره»، «تحضیض» و «تحریض» آمده است؛ که در این میان، واژه «تحفیز» اصلاً در قرآن نیامده، واژه «بعث» به برانگیخته شدن انسان یا هر موجودی برای وظیفه‌ای همچون رسالت یا امر مهم دیگر اشاره دارد (آل عمران، ۱۶۴؛ انعام، ۶۵) و «اثاره» نیز در مورد برانگیختن زمین و ابرها در قرآن استعمال شده است (روم، ۹، ۴۸). تنها در قرآن، مشتقات واژه «تحضیض» (الحاق، ۳۴؛ فجر، ۱۸) و «تحریض» (نساء، ۸۴؛ انفال، ۶۵) است که در میان معادل‌های بیان‌شده به انگیزش موجود در علم روانشناسی

1. Major Depressive

2. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

3. Psychopathology

اشاره دارد. در نتیجه، ابتدا لازم است معادل‌های بیان‌شده را از حیث استعمال یا عدم آن در قرآن کریم بررسی نموده و در صورت استعمال شدن نیز باید به این پرسش پاسخ داد که آیا مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد یا خیر. البته بررسی دقیق تفاوت‌های مترادفات، اختصاص به یکی از روش‌های فهم آیات روان‌شناختی دارد. به همین جهت، می‌توان بررسی ارتباط معنایی هریک از واژگان مترادف را به بخش دوم یعنی روش‌های فهم موکول نمود. همچنین، نباید به یک واژه معادل در پژوهش اکتفاء نمود؛ زیرا ممکن است مترادفات متعددی برای یک واژه وجود داشته باشد که عدم توجه به آنها سبب نادیده گرفتن بسیاری از آیات مرتبط شود. به‌عنوان نمونه، برای موضوع آرامش، مترادفاتی همچون «اطمینان» (بقره، ۲۶۰؛ مائده، ۱۱۳) و «سکینه» (بقره، ۲۴۸؛ توبه، ۲۶) و برای موضوع ترس نیز، مترادفاتی همچون «خوف» (بقره، ۳۸؛ قریش، ۴)، «خشیت» (نساء، ۷۷؛ اسراء، ۳۱)، «رعب» (آل عمران، ۱۵۱؛ کهف، ۱۸) و «وجل» (انفال، ۲؛ حجر، ۵۲) در قرآن کریم آمده است. در نتیجه، یافتن مترادفات یا لغات قریب‌المعنا در میان واژگان قرآنی برای موضوع مورد نظر، علاوه بر گسترده نمودن دامنه پژوهش، می‌تواند آموزه‌های جدیدی را برای مفسر به دنبال داشته باشد؛ که این امر، نیازمند بررسی و مقایسه مفردات روان‌شناختی با یکدیگر است.

جست‌وجوی آیات روان‌شناختی در قرآن

پس از انتخاب موضوع و واژگان مناسب تحقیق، نوبت به جست‌وجوی در قرآن پیرامون موضوع روان‌شناختی می‌رسد. اما پیش از بیان انواع راه‌های جست‌وجوی آیات روان‌شناختی در قرآن، ذکر این نکته لازم است که بهترین روش جست‌وجو در تفسیر روان‌شناختی، مطالعه کامل قرآن کریم و از نظر گذراندن تمامی عبارات نورانی الهی است؛ تا بتوان از این طریق به آیات مرتبط با موضوع دست یافت. اگرچه این روش جست‌وجو ممکن بوده و تعدادی از پژوهشگران نیز چنین روشی را ترجیح می‌دهند؛ به دلیل دشوار بودن و نیز در مواردی ضیق وقت، راه‌های زیر پیشنهاد می‌شود. شایان ذکر است که به‌منظور کامل‌تر شدن جست‌وجو و کشف آیات مرتبط بیشتر برای موضوع روان‌شناختی، در صورت امکان، انجام تمامی این راه‌ها توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ای

با توجه به اینکه در مرحله قبل، کلیدواژه‌هایی برای موضوعات روان‌شناختی تعیین شده است، در این مرحله به جست‌وجوی «واژگان» و «مترادفات» آنها در قرآن کریم پرداخته و از طریق آنها، آیاتی که دارای چنین واژگانی هستند، استخراج خواهند شد. البته با توجه به اینکه در اغلب موارد، واژه مورد نظر با مشتقات متعددی در قرآن استعمال شده است؛ به همین منظور، جست‌وجوی یک کلیدواژه در قرآن باید به همراه مشتقات آن انجام شود. برای جست‌وجوی سهل‌تر، سریع‌تر و کامل‌تر، استفاده از نرم‌افزارهایی همچون

«جامع‌التفاسیر نور» پیشنهاد می‌شود. روشن است که این روش جست‌وجو در مواردی است که حداقل یک کلیدواژه یا مترادفی برای موضوع مورد نظر یافت شده باشد؛ اما در صورت عدم یافتن معادل قرآنی، روش‌هایی که در ادامه اشاره می‌شود، کارایی خواهد داشت.

فرهنگ‌نامه‌های قرآن

با استفاده از کتاب‌هایی که با موضوع فرهنگ‌نامه‌های قرآن نگاشته شده‌اند، می‌توان با جست‌وجوی کل موضوع یا یک بخش از آن یا کلیدواژه‌های آنها (هر کدام که در فرهنگ‌نامه موجود بود)، مستقیماً به آیات مورد نظر دسترسی پیدا کرد. همچنین معمولاً چنین کتبی، به فروع و ابعاد یک موضوع در قرآن کریم نیز می‌پردازند که در مرحله بعدی (جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات) می‌توان از آنها استفاده نمود. به عنوان نمونه، برای موضوع «آرامش» و معادل قرآنی آن یعنی «اطمینان»، فروعاتی همچون آرامش در غزوه بدر، آرامش در غزوه احد، اطمینان اولیاءالله، اطمینان در دنیا، اطمینان مؤمنان و حقیقت اطمینان، در چنین کتبی، به آیاتی اشاره شده که قابل استفاده می‌باشد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۸). در میان این کتب، می‌توان به دو کتاب «فرهنگ قرآن» اثر اکبر هاشمی رفسنجانی و «فرهنگ موضوعی تفاسیر» اثر مرکز فرهنگ و معارف قرآن اشاره نمود؛ که انواع موضوعات و لغات قرآن کریم را می‌توان در این کتب مشاهده کرد. همچنین کتاب «قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی» اثر محسن عباس‌نژاد نیز به صورت خاص به موضوعات روان‌شناختی پرداخته است؛ که البته هریک از این کتب در تفسیر روان‌شناختی قابل استفاده است.

کتب و مقالات مرتبط

شناسایی و مطالعه مقاله‌ها و کتاب‌های قرآنی مربوط، یکی از سودمندترین راه‌ها برای دستیابی به داده‌های قرآنی پیرامون مسئله تحقیق است که علاوه بر وجود مستندات قرآنی، ابواب و سرفصل‌هایی نیز در مورد موضوع اشاره بیان می‌کنند که می‌تواند برای مفسر الهام‌بخش باشد (بهمنی، ۱۳۹۷). بدون تردید تاکنون کتب و مقالات متعددی پیرامون موضوعات روان‌شناختی در قرآن کریم نگاشته شده است که فارغ از صحت یا عدم صحت استناد یافته‌های روان‌شناختی مؤلفان آن به قرآن، منبعی عظیم از آیات مرتبط را در اختیار مفسر قرار می‌دهد.

تناسب محتوایی

اگر پژوهشگر بخواهد صرفاً با کلیدواژه یا حتی از طریق فرهنگ‌نامه یا پژوهش‌های انجام‌شده به جست‌وجوی آیات روان‌شناختی بپردازد نیز نمی‌توان ادعا نمود که به تمامی آیات مرتبط با موضوع دست یافته است؛ زیرا مشاهده می‌شود در بسیاری از آیات مرتبط با موضوع، از کلیدواژه یا مترادفات آن استفاده

نشده، اما محتوایی مرتبط با موضوع مورد نظر دارند. همچنین، نمی‌توان اطمینان داشت که فرهنگ‌نامه‌ها یا پژوهش‌های انجام‌شده، همه آیات مرتبط با موضوع را استحصاء نموده باشند؛ بویژه اینکه در مواردی ممکن است که اصلاً به موضوع روان‌شناختی مورد نظر اشاره‌ای نکرده باشند. به همین جهت، یافتن آیاتی متناسب و مرتبط با موضوع پژوهش، دشوارتر از دیگر راه‌های جست‌وجو است؛ اما نکات فراوان و بدیعی را در اختیار مفسر قرآن قرار می‌دهد که قطعاً بدون آن آیات، نتیجه‌گیری ناقصی پیرامون موضوع روان‌شناختی در قرآن ارائه خواهد شد. اما نکته حائز اهمیت، نحوه پیدا نمودن چنین آیاتی در قرآن است. البته نمی‌توان به صورت دقیق و قطعی مشخص نمود که در کجای قرآن چنین آیاتی آمده است؛ اما در ادامه، به محل‌های «احتمالی» وجود چنین آیاتی متناسب با موضوعات مختلف روانشناسی اشاره خواهد شد:

۱- برای موضوعاتی که به اختلالات روان‌شناختی و یا هیجانات مربوط است، می‌توان به بررسی روان‌شناختی گفتار و رفتارهای اشخاص در قرآن و برای پژوهش در مورد درمان و یا نحوه واکنش نسبت به آن اختلالات یا هیجانات، به نحوه تعامل خداوند متعال با آنها، در قرآن مراجعه کرد. البته این امر، منوط به دانستن ماهیت و نشانگان اختلالات و یا برخی هیجانات و حالات روان‌شناختی است که در کتب تخصصی روانشناسی به آن اشاره شده است. در نتیجه، پس از آگاهی از چستی و علائم آنها می‌توان به بررسی روان‌شناختی افراد در قرآن و در مقابل، نحوه تعامل خداوند با آنها پرداخت. به عنوان نمونه، اضطراب از چهار عنصر تشکیل می‌شود: از نظر شناختی، خطر غیرمشخصی را انتظار می‌کشد؛ از نظر بدنی، واکنش اضطرابی را تجربه می‌کند؛ از نظر هیجانی، احساس دلشوره، وحشت یا دلهره می‌کند و از نظر رفتاری، می‌کوشد تا از موقعیت ترسناک بگریزد (روزنهان و سلیگمن، ۱۳۸۷).^۱ حال با توجه به نشانگان بیان‌شده، این مطلب نیازمند بررسی است که آیا حضرت موسی(ع) در داستان کشتن مرد قبطی توسط وی که در آیات ۱۵ تا ۲۱ سوره قصص اشاره شده، دچار اضطراب شده است؟ خصوصاً آنکه پس از آن حادثه، دچار دلهره شده و انتظار خطری را می‌کشید که قرآن کریم با عبارت «خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» آن را ذکر نموده است. نمونه‌های دیگر را نیز می‌توان در ترس‌های حضرت موسی(ع) که مکرراً در قرآن به آنها اشاره شده و نحوه برخورد خداوند متعال با آن مشاهده کرد. همچنین، حزن پیامبر اکرم(ص) و واکنش خداوند متعال نیز نمونه‌ای دیگر در یافتن محل آیاتی است که می‌توانند با موضوعاتی از قبیل هیجان و حزن، تناسب محتوایی داشته باشند.

۲- برای موضوعاتی که به انگیزش یا تغییر رفتار مربوط هستند، می‌توان در آیاتی جست‌وجو نمود که به بیان دستورات و توصیه‌های الهی اشاره دارند؛ همچون تحریم خمر که به تدریج نازل شده، تشریع

صوم که با تعمیم‌دهی و آسان‌انگاری همراه است و توصیه به احسان والدین که بلافاصله پس از آن سختی‌های دوران بارداری بیان شده است.

۳- برای موضوعات مربوط به فرزندپروری، می‌توان به نحوه گفت‌وگو و تعامل انبیاء با فرزندان خود در دوره‌های مختلف سنی دقت نمود. همچون تعامل حضرت ابراهیم (ع) با حضرت اسماعیل (ع) در داستان ذبح (صافات، ۱۰۲)، تعامل حضرت یعقوب (ع) با پسران خویش (یوسف، ۱۷-۴) و موعظه‌های حضرت لقمان (ع) به فرزند خویش (لقمان، ۱۹-۱۳) که بررسی‌های عالمانه مفسر روانشناس می‌تواند نکات روان‌شناختی فراوان و جدیدی را از چنین داستان‌های قرآنی به ارمغان بیاورد. این دسته از آیات، صرفاً بخشی از آیات روان‌شناختی با تناسب محتوایی است که می‌توانند در پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن مفید باشند و البته، عنایت الهی و پژوهش‌های مستمر در قرآن کریم می‌تواند پنجره‌های دیگر آیات روان‌شناختی را نیز به روی مفسر بگشاید.

کدگذاری آیات

پس از جست‌وجو در قرآن کریم پیرامون موضوع یا مسئله روان‌شناختی، آیات مرتبط و گاه انبوهی از آیات جمع‌آوری می‌شود. در این میان، اگرچه ممکن است در برخی آیات جمع‌آوری‌شده از کلیدواژه تحقیق استفاده شده و یا محتوای مرتبطی داشته باشند؛ اما الزاماً به این معنا نیست که دقیقاً همانی باشد که پژوهشگر به دنبال آن است. به همین جهت در این مرحله، آیات کشف‌شده، بررسی اجمالی شده و کدگذاری خواهند شد. اما به‌منظور بررسی اجمالی که در واقع سبب فهم ابتدایی آیات نیز می‌شود، از «بخشی» از روش موجود در نظریه‌پردازی «داده‌بنیان»^۱ یا مبنایی که به «کدگذاری داده‌ها» اشاره دارد، استفاده خواهد شد. روش نظریه‌پردازی داده‌بنیان، یک روش پژوهش کیفی است که در واقع، فرآیند نظام‌مند نمودن و برقراری رابطه میان داده‌های کیفی در پژوهش می‌باشد. نظریه مبتنی بر این روش، یک نظریه استقرائی است و یافته‌های آن نظریه نیز با تنظیم نظری واقعیت‌های کشف‌شده شکل می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵).^۲ در نظریه مبنایی یا داده‌بنیان، کدگذاری نظریه از اهمیت بالایی برخوردار است که طی آن، داده‌های پژوهش، تجزیه و مفهوم‌سازی شده و به‌شکلی تازه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (فلیک، ۱۳۸۷).^۳ این کدگذاری‌ها شامل کدگذاری باز،^۴ کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری انتخابی^۶ هستند.

1. Grounded Theory

2. Strauss & Corbyn

3. Flick

4. Open Coding

5. Axial Coding

6. Selective Coding

کدگذاری باز به شناسایی مفاهیم و ویژگی‌های یک داده اشاره دارد و در واقع، با کدگذاری باز، به داده مورد نظر یک برجسب مفهومی^۱ زده می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). کدگذاری محوری، از مقایسه میان چند کد باز که میان آنها اشتراک مفهومی وجود دارد، ایجاد می‌شود. در واقع، به این جهت «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله انجام می‌شود. در کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری باز و محوری به صورت یکپارچه درآمده و بهبود می‌یابند (لی، ۲۰۰۱).^۲

مراحل کدگذاری آیات

در این بخش، ضمن بیان یک نمونه پژوهشی در قرآن کریم، مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی تشریح شده و ارتباط یا عدم ارتباط آیه مورد نظر با موضوع یا مسئله پژوهش نیز بیان خواهد شد. به عنوان نمونه، جهت پژوهش در قرآن کریم پیرامون «خشم»، یک کلان موضوع، یک موضوع جزئی و یک مسئله را در نظر گرفته، و در میان آنها، «موضوع جزئی» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلان موضوع: خشم در قرآن کریم

موضوع جزئی: ابعاد خشم انسان در قرآن کریم

مسئله: از منظر قرآن کریم، خشم چه اثراتی در فکر و رفتار انسان خواهد داشت؟

به منظور یافتن آیات پیرامون «ابعاد خشم انسان در قرآن کریم»، از روش معادل‌یابی و سپس، جست‌وجوی کلیدواژه‌ای استفاده شده که سه کلیدواژه «غضب»، «غیظ» و «سخط» به همراه مشتقات آن در قرآن جست‌وجو شده‌اند. در نهایت، آیات مرتبط بسیاری کشف شده که به برخی از آنها در ادامه اشاره خواهد شد. ذکر این نکته نیز لازم است که، در صورت وابسته بودن معنای آیه کشف شده به آیه قبل، آن بخش مرتبط در آیه قبلی نیز به آیه مورد نظر افزوده می‌شود.

۱. «هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»، «شما کسانی هستید که آنها را دوست می‌دارید؛ اما آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید. هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: ایمان آورده‌ایم! اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از درون سینه‌ها آگاه است» (آل عمران، ۱۱۹).

1. Conceptual Labels

2. Lee

۲. «... أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»، «برای پرهیزگاران آماده شده است * همان‌ها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران، ۱۳۴-۱۳۳).

۳. «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصَرُّكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ * وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»، «با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه‌گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد * و خشم دل‌های آنان را از میان می‌برد! و خدا توبه هر کس را بخواهد، می‌پذیرد؛ و خداوند دانا و حکیم است» (توبه، ۱۵-۱۴).

۴. «إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا»، «هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببینند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است، می‌شنوند» (فرقان، ۱۲).

۵. «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا»، «خدا کافران را با دلی‌پر از خشم بازگرداند، بی‌آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند. و خداوند، مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت؛ و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است!» (احزاب، ۲۵).

۶. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ»، «و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) صدقات (غنایم) به تو خرده می‌گیرند؛ اگر از آن (غنایم، سهمی) به آنها داده شود، راضی می‌شوند؛ و اگر داده نشود، خشم می‌گیرند» (توبه، ۵۸).

۷. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»، «راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای؛ و نه گمراهان» (فاتحه، ۷).

۸. «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأُلُوحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمِّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، «و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من، بد جانشینانی برایم بودید! آیا در مورد فرمان پروردگارتان عجله نمودید؟ سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید. او گفت: فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند؛ پس کاری نکن که دشمنان، مرا شمات کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده» (اعراف، ۱۵۰).

۹. «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ»، «و هنگامی که خشم موسی فرو نشست؛ الواح (تورات) را برگرفت و در نوشته های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می ترسند» (اعراف، ۱۵۴).

۱۰. «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، «و ذا النون [یونس] را در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت ها صدا زد: جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم» (انبیاء، ۸۷).

۱۱. «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»، «همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند، درمی گذرند» (شوری، ۳۷).

با توجه به آیات جمع آوری شده، جدولی تنظیم شده که برای هر آیه، کد باز، کد محوری و کد انتخابی در نظر گرفته شده و ارتباط یا عدم ارتباط آنان با موضوع مورد نظر بررسی می شود. البته در بخش آیه بهتر است عبارات خود آیه ذکر شود؛ اما در اینجا به دلیل محدودیت حجم پژوهش، شماره آیه ذکر گردیده است.

جدول ۱- کدگذاری آیات مرتبط با غضب انسان در قرآن کریم

ردیف	آیه	کد باز	ارتباط	کد محوری	کد انتخابی
۱	آل عمران: ۱۱۹	گزیدن سر انگشتان از خشم توسط منافقان	✓	نقش نفاق در خشم انسان (کد باز: ردیف ۱ و ۶)	زمینه ساز خشم (نفاق) پیامد / بروز خشم (گزیدن)
۲	آل عمران: ۱۳۳-۱۳۴	فرو خوردن خشم از نشانگان انسان های باتقوا	✓	عدم واکنش منفی در هنگام خشم (کد باز: ردیف ۲ و ۱۱)	مدیریت خشم (فرو خوردن)
۳	توبه: ۱۴-۱۵	نقش خداوند در از بین بردن خشم در قلب انسان	✓	فروکش شدن درونی خشم (کد باز: ردیف ۳ و ۹)	چیستی خشم (درون قلب)
۴	فرقان: ۱۲	خشم آتش جهنم در قیامت	×	علت عدم ارتباط: در مورد خشم انسان نیست	—
۵	احزاب: ۲۵	بازگردانده شدن کفار خشمگین	×	علت عدم ارتباط: به ابعاد خشم اشاره نشده است	—
۶	توبه: ۵۸	خشم منافقان به خاطر عدم اعطای سهم مالی	✓	نقش نفاق در خشم انسان (کد باز: ردیف ۱ و ۶)	زمینه ساز خشم (نفاق) سبب خشم (عدم سهم)
۷	الفاتحه: ۷	مورد خشم الهی قرار گرفتن	×	علت عدم ارتباط: در مورد خشم	—

	انسان نیست		برخی افراد		
۸	اعراف: ۱۵۰	✓	کافر شدن مردم، انداختن الواح تورات و کشاندن برادر توسط حضرت موسی	✓	سبب خشم (کفر مردم) پیامد / بروز خشم (الواح و برادر)
۹	اعراف: ۱۵۴	✓	ساکت شدن خشم در حضرت موسی، و سپس گرفتن الواح	✓	فروکش شدن درونی خشم (کد باز: ردیف ۳ و ۹)
۱۰	انبیاء: ۸۷	✓	خروج با خشم حضرت یونس و گمان بر عدم تنگ گرفتن بر او	✓	سبب خشم (کفر مردم) پیامد خشم (گمان عدم تنگی)
۱۱	شوری: ۳۷	✓	بخشش به هنگام خشم	✓	مدیریت خشم (بخشش) عدم واکنش منفی در هنگام خشم (کد باز: ردیف ۲ و ۱۱)

چنانکه در جدول (۱) مشاهده می‌شود، مفاهیم کلیدی هر آیه که می‌تواند با موضوع روان‌شناختی پژوهش مرتبط باشد، به‌عنوان «کد باز» و مفاهیم مشترک میان چند مفهوم نیز در «کد محوری» و حاصل کدهای باز و محوری در «کد انتخابی» قرار داده شده و در این کد، دسته‌بندی هریک از آیات نیز با توجه به «فرآیند» آمده است. همچنین، هریک از کدهای انتخابی نیز مانند کدهای محوری، در میان چند مفهوم، مشترک می‌باشند. البته هریک از پژوهشگران ممکن است مفاهیم و مقوله‌هایی متفاوتی از آنچه که در اینجا ذکر شده، بیان نمایند که به تفاوت در برداشت و فهم ابتدایی از آیات برمی‌گردد. اما انتظار می‌رود که در مورد کدهای باز با توجه به اینکه رابطه‌ای مستقیم با معنای ظاهری آیه دارند، تفاوت چندانی در میان پژوهشگران به چشم نخورد.

روند کدگذاری و بررسی ارتباط آیات به این صورت است که پس از نگارش آیه و منظور نمودن کد باز - که در صورت نیاز می‌توان از ترجمه آیه نیز کمک گرفت - آیه مورد نظر، از نظر معنایی، مقداری روشن شده و در نتیجه می‌توان از منظر ارتباط یا عدم ارتباط با موضوع اصلی بررسی نمود. اگر آیه مورد نظر، ارتباطی با موضوع یا مسئله محقق نداشته باشد؛ دیگر نیازی به کد محوری و کد انتخابی نبوده و می‌توان علت عدم ارتباط را در جدول آنها ذکر نمود. در نمونه ذکر شده، با توجه به اینکه موضوع جزئی تحقیق، «ابعاد خشم انسان در قرآن کریم» است؛ ردیف چهار، پنج و هفت از مسیر پژوهش خارج می‌شوند؛ زیرا یا در مورد خشم خداوند بیان شده‌اند و یا به ابعاد خشم اشاره‌ای ندارند. البته در صورتی که کلان‌موضوع

«خشم در قرآن» انتخاب شده بود، هیچ آیه‌ای خارج نمی‌شد. همچنین، اگر مسئله اینگونه انتخاب شده بود که: «از منظر قرآن کریم، خشم چه اثراتی در فکر و رفتار انسان خواهد داشت؟»؛ تنها آیات ردیف یک، هشت و ده در مسیر پژوهش باقی می‌ماند. در ادامه، براساس چند کد باز که اشتراک مفهومی میان آنها مشاهده می‌شود، کد محوری ایجاد گردید که در جدول، شماره ردیف‌های کدهای باز نیز ذکر شده است. در پایان نیز، کد انتخابی براساس کدهای باز و محوری شکل گرفته است. از سوی دیگر، می‌توان براساس مواردی همچون ابعاد موضوع انتخابی، نشانگان و روش درمان و همچنین فرآیند، کدهای انتخابی را مشخص نمود که البته در نمونه ذکر شده، براساس «فرآیند» به کدگذاری انتخابی اقدام شده و به‌نوعی، می‌توان این مرحله از کدگذاری را «تقسیم‌بندی آیات روان‌شناختی» دانست. در ادامه، به‌عنوان نمونه به هریک از اقسامی که می‌توان در کدگذاری انتخابی به آن توجه کرد و براساس آن چنین کدگذاری انتخابی را انجام داد، اشاره خواهد شد. این دسته‌بندی‌ها در میان دسته‌بندی‌های موجود، بیشترین ارتباط را با مباحث روان‌شناختی دارند و البته اقسام مرتبط با روانشناسی، منحصر به این موارد نخواهند بود.

الف) براساس ابعاد موضوع انتخابی: همچنانکه در بخش انتخاب موضوع یا مسئله روان‌شناختی اشاره شد، مطالعه هدفمند کتب و مقالات علم روانشناسی پیرامون موضوع انتخابی، باعث آگاهی از ابعاد و زوایای آن موضوع می‌شود. به همین جهت، در آن دسته از موضوعاتی که جزئی بوده و به‌منظور پژوهش در مورد ابعاد یا زوایای خاصی از موضوع انجام می‌شود، به تناسب هر ریزموضوع می‌توان کدهای مربوط به آیات استخراج شده را با کدگذاری انتخابی تقسیم‌بندی نمود. به‌عنوان نمونه، اگر در مورد «انواع مراحل رشد در قرآن» پژوهش می‌شود، می‌توان پس از کدهای باز و محوری، در کدگذاری انتخابی، کدهای مربوط به رشد جسمی را از کدهای مربوط به رشد معنوی به‌صورت مجزا کدگذاری یا تقسیم‌بندی نمود؛ و یا داده‌های مربوطه را با در نظر گرفتن مراحل رشد، به اقسامی مانند پیش از تولد، کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و سالمندی کدگذاری کرد. همچنین، اگر در مورد «تربیت فرزند در قرآن» پژوهش می‌شود، می‌توان کدهای مربوط به تربیت فرزند در دوران کودکی را از نوجوانی مجزا کرد؛ و مثلاً کدهای مربوط به تعامل حضرت یعقوب با حضرت یوسف در زمان خردسالی را در بخش کودکی و کدهای مربوط به تعامل حضرت ابراهیم با حضرت اسماعیل در دوران نوجوانی ایشان را، در بخش نوجوانی قرار داد.

ب) براساس نشانگان و روش درمان: در مواردی که پیرامون حالات یا اختلال‌های روان‌شناختی در قرآن، پژوهشی انجام می‌شود؛ پس از مطالعه هدفمند در کتب روانشناسی، با آگاهی از نشانگان یک حالت یا اختلال روانی، آیات مرتبط جست‌وجو خواهند شد. در نتیجه، پس از جمع‌آوری آیات قرآن باید بررسی

نمود که آیا می‌توان هریک از آیات یا بخشی از آیات را به‌عنوان نشانگان آن اختلال در نظر گرفت؟ آیا می‌توان بخشی از آیات را به‌عنوان راه درمان آنها در نظر گرفت؟ پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا نیازمند مطالعه هدفمند و سپس، منوط به کدگذاری نمودن باز و محوری به شکل مناسب و دقیق است. در مورد اضطراب که پیش‌تر چهار بُعد شناختی، بدنی، هیجانی و رفتاری آن بیان شد، حال با جمع‌آوری آیات مرتبط با اضطراب در قرآن و کدگذاری هریک از آنها، آیا می‌توان این آیه را: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، «موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای؛ عرض کرد: پروردگارا مرا از این قوم ظالم رهایی بخش» (قصص، ۲۱)، چنین کدگذاری انتخابی نمود که مفاهیم مربوط به عبارت «فخرج منها» اشاره به بُعد رفتاری اضطراب، «خائفاً» اشاره به بُعد هیجانی اضطراب، و «يتربَّع» اشاره به بُعد شناختی اضطراب می‌باشد؟ همچنین، یکی دیگر از کدگذاری‌های انتخابی را می‌توان در مورد روش‌های تعامل خداوند با بندگان که دچار حالات مختلف روان‌شناختی همچون ترس، حزن و یا نفاق شده‌اند انجام داد. در نتیجه، کدهای مربوط به نشانگان هریک از آنها را از نظر هیجانی، رفتاری و... در دسته‌بندی جداگانه، و کدهای مربوط به نحوه تعامل خداوند با آنها را که احتمالاً بتوان تحت عنوان شیوه‌های درمان یا کنترل بررسی نمود، در دسته‌ای دیگر قرار داد. به‌عنوان نمونه، آیات زیر که نحوه تعامل خداوند متعال با ترس را نشان می‌دهد، به‌عنوان روش‌های درمان یا کنترل ترس، قابل بررسی بوده و در دسته‌بندی جداگانه‌ای قرار خواهند گرفت:

۱. «وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» * قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا يَا بَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ، «و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند؛ می‌ترسم مرا بکشند» * «چنین نیست، (آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند) شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم» (شعراء، ۱۶-۱۵).
۲. «قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى» * قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى، «گفتند: پروردگارا از این می‌ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد)؛ یا طغیان کند» * فرمود: نرسید! من با شما هستم؛ (همه‌چیز را) می‌شنوم و می‌بینم» (طه، ۴۶-۴۵).

ج) براساس فرآیند: یکی دیگر از کدگذاری‌های انتخابی مهم در مباحث روان‌شناختی، تمایز قرار دادن میان «زمینه»، «سبب»، «چیستی»، «پیامد یا بروز» و «مدیریت یا کنترل» یک اختلال روان‌شناختی در اشخاص است. در نتیجه، بررسی آیات روان‌شناختی از منظر این سه قسم، می‌تواند دسته‌بندی جدیدی برای آیات روان‌شناختی فراهم کرده و بررسی‌های بعدی مفسر به‌منظور فهم این آیات را نیز هدفمند نماید. نمونه‌ای از این کدگذاری در جدول کدگذاری «خشم» بیان شده است. نمونه دیگر نیز در مورد

موضوع «ترس حضرت موسی» می‌باشد؛ که آیات متعددی برای آن وجود داشته و شاید بتوان آن آیات را چنین کدگذاری انتخابی نمود.

۱. سبب ترس حضرت موسی: آیه «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى»، «گفت: شما اول بیفکنید! در این هنگام طناب‌ها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به‌نظر می‌رسید که حرکت می‌کند» (طه، ۶۶).

۲. چِستی ترس حضرت موسی: آیه «فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى»، «موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد» (طه، ۶۷).

۳. کیفیت بروز ترس در حضرت موسی: آیه «وَأَنْ أَلْقِي عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ»، «عصایت را بیفکن، هنگامی که دید همچون ماری با سرعت حرکت می‌کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! (ندا آمد): ای موسی برگرد و نترس، تو در امان هستی» (قصص، ۳۱). ذکر این نکته لازم است که این نوع کدگذاری آیات، خصوصاً کدگذاری انتخابی، به معنای قضاوت نهایی در مورد آیات دسته‌بندی شده نیست و ممکن است در طول فرآیند تفسیر نتوان به اثبات چنین تقسیماتی پرداخت و یا حتی این تقسیمات را رد نمود و مثلاً آیه مورد نظر نتواند به عنوان یکی از نشانگان اختلال محسوب شود؛ اما این کدگذاری و تقسیمات، علاوه بر نظم‌دهی به یافته‌های اولیه پژوهش، گزاره‌هایی حتی احتمالی ایجاد نموده که می‌توان در فرآیند تفسیر به بررسی عمیق‌تر آنها پرداخت. این گزاره‌ها در واقع، پاسخ‌های اولیه به مسئله روان‌شناختی هستند که پژوهش را جلوتر برده و البته در بخش بعدی، یعنی روش‌های فهم روان‌شناختی، صحت یا عدم صحت آنها بررسی خواهد شد.

در نتیجه، کدگذاری‌ها و تقسیم‌بندی آیات روان‌شناختی از جهات زیر می‌تواند در تفسیر روان‌شناختی قرآن کریم مفید باشد:

۱. کدگذاری باز همچون تصفیه‌خانه‌ای عمل نموده و آیات به ظاهر مرتبط، اما غیرمرتبط را از گردونه پژوهش خارج می‌کند. این امر می‌تواند زمان پژوهش را کاهش داده و پژوهشگر را به داده‌های اصلی متمرکز نماید.

۲. کدگذاری‌ها به دلیل نظام‌مند نمودن داده‌های پژوهش می‌تواند فهم آنها را نیز آسان‌تر نماید. یک دسته‌بندی کاربردی و روشمند می‌تواند پیام‌ها و مدلول‌های مورد نظر هریک از آیات را با نظم مناسبی به ذهن انسان تداعی نموده و این سازمان‌یافتگی مفاهیم، در مرحله ارائه نیز مفید باشند (نصیری، ۱۳۹۵).

۳. برخی از آیات قرآن، به زوایای متعدد پژوهش اشاره دارند که کدگذاری‌ها سبب شده بخش‌های مختلف آیه مورد نظر که می‌تواند در پژوهش مؤثر باشند، شناسایی شوند.

۴. از طریق کدگذاری محوری، آیاتی که از نظر معنایی با یکدیگر اشتراکات بیشتری دارند مشخص شده که می‌توانند در تبیین مفهوم یکدیگر، نقش قرینه‌ای ایفاء نمایند.

۵. با توجه به اینکه بخشی از روند نظریه‌پردازی «داده‌بنیاد» به کارگیری شده است در نتیجه، اگر پژوهشگر بخواهد براساس این روند، به نظریه‌پردازی پردازد؛ راه زیادی از آن را طی نموده و نظریه‌پردازی آسان‌تری در زمینه روانشناسی قرآنی خواهد داشت.

اگرچه مراحل کدگذاری ذکر شده بخشی از فرآیند نظریه‌پردازی است؛ پژوهشگر در تفسیر روان‌شناختی قرآن، الزاماً به دنبال نظریه‌پردازی از آموزه‌های روان‌شناختی نبوده و گاه صرفاً برای فهم یک یا چند آیه روان‌شناختی به پژوهش در قرآن می‌پردازد؛ اگرچه مراحل تفسیر روان‌شناختی قرآن (اعم از روش کشف و فهم) می‌تواند در فرآیند نظریه‌پردازی سودمند واقع شود. در پایان این مرحله، آیات مرتبط که می‌توانند وارد بخش بعدی، یعنی روش‌های فهم روان‌شناختی آیات شوند، مشخص شده و در بخش بعدی لازم است هریک از آیات با روش‌های فهم، مورد بررسی قرار گیرند. البته خود پژوهشگر نیز پیش از ورود به بخش بعدی، شناختی اجمالی از ابعاد و مفاهیم آیه پیدا نموده است که هنگام استفاده از روش‌های فهم، یاری‌گر او خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافتن آیات مرتبط با موضوع پژوهش، از آن جهت اهمیت دارد که از قلم انداختن حتی یکی از آیات مرتبط با موضوع، علاوه بر آنکه محقق را از بخشی از یافته‌های روان‌شناختی قرآن کریم محروم می‌کند، سبب می‌شود که نتواند نتیجه‌گیری جامع و صحیحی نسبت به موضوع مورد نظر خود داشته باشد. شایان ذکر است که هریک از این مراحل باید به ترتیب اجرا شوند.

مرحله اول، «انتخاب موضوع یا مسئله روان‌شناختی» است که هرچه دقیق‌تر و جزئی‌تر باشد، زودتر محقق را به هدف خود می‌رساند. اما برای انتخاب موضوع یا مسئله مناسب برای پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن، در گام اول توصیه می‌شود که پژوهشگر، مطالعه‌ای هدفمند در منابع روانشناسی داشته باشد تا به وسیله آن، ابعاد مسئله پژوهش به خوبی برای او روشن شود و با آگاهی بیشتری پیرامون موضوع، وارد قرآن شود.

در گام دوم جزئی نمودن موضوع پیشنهاد می‌شود. اگرچه می‌توان با موضوعات عام نیز وارد قرآن شد؛ انتخاب موضوع جزئی و یا حداقل، دسته‌بندی نمودن ابعاد یک موضوع کلی، می‌تواند نظم پژوهش را بیشتر کرده و در نتیجه، روند کشف یافته‌ها را تسهیل ببخشد.

مرحله دوم، «انتخاب واژگان مناسب جهت جست‌وجو در قرآن» است؛ زیرا بدون تردید، -البته، نه برای همه موضوعات- بلکه برای بسیاری از موضوعات روان‌شناختی می‌توان واژگان متناظری در قرآن کریم یافت و براساس آن واژگان، به جست‌وجوی آیات پرداخت. اما آنچه مهم است، انتخاب صحیح واژگان متناظر می‌باشد؛ حال چه بتوان آن واژه را معادل واژه مورد نظر در پژوهش دانست و یا صرفاً واژه‌ای نزدیک به واژه تحقیق باشد. برای یافتن واژگان معادل نیز، اگرچه بخشی از آن به احاطه مفسر به لغات قرآن بستگی دارد؛ اما می‌توان از برخی کتب و نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز کمک گرفت که البته بررسی استعمال یا عدم استعمال آن واژه پیشنهادی در قرآن کریم نیز، از بررسی‌های ضروری پیش از معادل دانستن آن واژه می‌باشد. مرحله سوم، «جست‌وجوی آیات روان‌شناختی در قرآن» است. اگرچه مطالعه کل قرآن بهترین روش جست‌وجو می‌باشد؛ به دلیل مشقت و کمبود زمان، راه‌های دیگری نیز پیشنهاد می‌شود. جست‌وجوی کلیدواژه‌ای (در صورت یافتن واژگان متناظر)، فرهنگ‌نامه‌های قرآن، کتب و مقالات مرتبط با موضوع از راه‌های پیشنهادی جهت جست‌وجو در قرآن کریم است. همچنین، یکی از راه‌هایی که می‌توان به وسیله آن به آیات روان‌شناختی در قرآن کریم دست یافت، روش تناسب محتوایی است. در این روش باید به آیاتی که می‌توان ردپاهایی از موضوع مورد پژوهش در آنها یافت، مراجعه نمود. گاهی از نحوه تعامل، نحوه گفتار، واکنش‌های اشخاص در قرآن در شرایط مختلف و مواردی از این قبیل می‌توان آیات مرتبط با موضوع را کشف نمود. البته یافتن آیات متناسب با موضوع در صورتی است که مفسر با ابعاد مختلف آن موضوع آشنا باشد؛ تا از آن طریق بتواند چنین آیاتی را کشف نماید. این آیات اگرچه در ظاهر به گزاره مورد تحقیق ارتباطی ندارند؛ اما بررسی آنها می‌تواند نکات فراوانی را پیرامون موضوع تحقیق برای مفسر به ارمغان بیاورد.

مرحله چهارم، «کدگذاری آیات» است که با کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت می‌پذیرد. این کدگذاری‌ها علاوه بر مشخص نمودن ارتباط یا عدم ارتباط آیات جمع‌آوری شده با موضوع یا مسئله پژوهش،

مفاهیم آیات را نیز نظام‌مند خواهد نمود؛ زیرا پراکندگی داده‌های روان‌شناختی می‌تواند علاوه بر دشوار نمودن فرآیند تفسیر، طبقه‌بندی یافته‌های تفسیری را نیز در پایان با مشکل دچار کند. همچنین، انجام کدگذاری انتخابی را می‌توان براساس ابعاد موضوع پژوهش، براساس نشانگان بیماری‌های روانی و روش‌های درمان آنها و براساس فرآیندهای میان گزاره‌های روان‌شناختی انجام داد. لازم است ذکر شود که در برخی پژوهش‌های مشابه نیز به روش‌های مرحله‌ای جهت استخراج و دسته‌بندی داده‌های خام از متون دینی اشاره شده است؛ که البته برخی، متناسب با منابع حدیثی بوده و برخی نیز متناسب با آیات قرآن کریم است.

پژوهش پسندیده (۱۳۹۸)، اگرچه غالباً ناظر به فهم روان‌شناختی از روایات و احادیث است؛ اما بخشی تحت عنوان موضوع پژوهی روانشناسی را نیز دربردارد، که سه مرحله بررسی موضوع در روانشناسی، معادل‌یابی در ادبیات اسلامی و نیز یافتن سرفصل‌های دینی به‌عنوان مقدمه کار پژوهشی در این زمینه بیان شده است. اگرچه این پژوهش، تمامی چهار مرحله مقاله حاضر را پوشش نمی‌دهد؛ اما در زمینه فهم متون دینی، خصوصاً روایات، نکاتی کاربردی ذکر نموده که از موضوع مقاله حاضر خارج می‌باشد. پژوهش بهرامی احسان و همکاران (۱۳۹۸)، که غالباً ناظر به آیات قرآن کریم است، اگرچه در برخی مراحل، مشابهت‌های کلی با پژوهش حاضر دارد؛ اما علاوه بر تفاوت در جزئیات، در پژوهش مذکور، تحلیل معنای لغوی واژه پیش از جمع‌آوری کامل داده‌ها پیشنهاد شده است. در روش بیان‌شده در پژوهش حاضر، اگرچه فهم ابتدایی از واژه مورد جست‌وجو، لازمه یک جست‌وجوی دقیق است؛ فهم لغوی و فرآیندی، به پس از جمع‌آوری داده‌ها و در مرحله روش فهم، بیان شده است. استفاده از روش کدگذاری آیات به‌منظور دسته‌بندی و فهم بهتر آیات، از روش‌های اختصاصی مقاله حاضر می‌باشد. همچنین، نتایج این مقاله را می‌توان با روش موسوم به «داده‌کاوی» در تحقیقات کمی و کیفی مقایسه نمود که برخی پژوهشگران همچون عابدینی و مینایی (۱۳۹۸)، این روش را در متون اسلامی نیز کاربردی دانسته‌اند. این پژوهشگران اشاره نمودند که داده‌کاوی در متون اسلامی در پنج مرحله صورت می‌گیرد:

(۱) استخراج و گردآوری داده‌ها از چندین منبع،

(۲) یکپارچه‌سازی و حذف داده‌های زاید (تصفیه)،

(۳) تشکیل انبار داده بر پایه داده‌های تصفیه‌شده،

۴) اجرای عملیات داده کاوی،

۵) تفسیر و نمایش نتایج.

البته دو مرحله پایانی مربوط به فهم متون بوده و از موضوع این نوشتار که به کشف و دسته‌بندی داده‌ها می‌پردازد، خارج است؛ اما در هر صورت، وجود چنین مراحل اولیه‌ای اگرچه وام‌گرفته شده از پژوهش‌های غیرمرتبط با متن قرآن کریم است؛ ولی می‌توان بخشی‌هایی از آن را نسبت به قرآن کریم نیز استفاده نمود، که البته نیازمند پژوهش‌های بیشتری در این زمینه می‌باشد.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنايي، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۳) بهرامی احسان، هادی؛ اخوت، احمدرضا؛ فیاض، فاطمه (۱۳۹۸). *معناشناسی افسردگی از منظر قرآن*. تهران: دانشگاه تهران.
- (۴) بهمنی، سعید، (۱۳۹۷). *نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.
- (۵) پسندیده، عباس (۱۳۹۶). روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربرت آن در مفهوم حیات. / *اخلاق و حیانی*، شماره ۱۲.
- (۶) پسندیده، عباس (۱۳۹۸). روش فهم روان‌شناختی متون دینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- (۷) روزنهان، دیوید؛ سلیگمن، مارتین (۱۳۸۷). *روانشناسی نابهنجاری*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
- (۸) صدر، محمدباقر (بی تا). *المدرسه القرآنیة*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- (۹) عابدینی، حسین؛ مینایی، بهروز (۱۳۹۸). کاربردهای داده کاوی در علوم اسلامی. *ره‌آورد نور*، شماره ۳۴.
- (۱۰) فاطمی، سید محسن (۱۳۹۵). *مشاوره با رویکرد اسلامی*. مشهد: به نشر.
- (۱۱) فیلک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- (۱۲) کاویانی، محمد (۱۳۹۳). *روانشناسی در قرآن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- (۱۳) مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۸). *فرهنگ موضوعی تفاسیر*. قم: بوستان کتاب.
- (۱۴) نصیری، علی (۱۳۹۵). *روش‌شناسی تفسیر قرآن*. قم: وحی و خرد.
- 15) American Psychiatric Association (2022). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5-TR)*. Washington DC :American Psychiatric Association.
- 16) Haque, A. & Rothman, A. (2021). *Islamic Psychology around the globe*. Washington: International Association of Islamic Psychology.
- 17) Lee, J. (2001). *Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*. Doctoral Dissertation. Nebraska: University of Nebraska.
- 18) Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Thousand Oaks: Sage.